



۲۰۱۴/۰۴/۱۱



ولی احمد نوری

انتخابات افغانستان و نگاه ایرانی ها

از صفحه فارسی سایت بی بی سی ۲۰ حمل ۱۳۹۳ - ۹ اپریل ۲۰۱۴
به دری افغانستان آماده شده است

در روز های اخیر اخبار و رویداد های انتخابات ریاست جمهوری افغانستان بازتاب وسیعی در بین ایرانیان داشت و بسیاری از آنها در رسانه های فارسی زبان و شبکه های اجتماعی اینترنتی رخدادهای مربوط به آن را دنبال می کردند.



صفحه «ناظران می گوید» نظرات تعدادی از ایرانیان را که این انتخابات را تعقیب نموده اند، منتشر کرده است. حضور گسترده مردم افغانستان در این انتخابات، امید به ایجاد تغییرات دیموکراتیک و صلح آمیز، مشارکت وسیع زنان، احساس نزدیکی به مردم افغانستان و ... از جمله مواردی است که در این نوشته ها مورد توجه قرار گرفته است.

الناز باقری / کوآلامپور

عکس های انتخابات افغانستان را می بینم و کیف می کنم. صف کت و کلفت و طولانی زن ها زیر باران، با آن پلاستیکی که همه باهم روی سر شان گرفته اند. صورت های همه شان پر از امید است. تمام دلم پر از تحسین و غرور و کمی هم حسودی است. این که دارند به یک سمتی می روند که ما نتوانستیم، راه ما کج شد.

- ❖ این که چقدر روشن است جلوی شان، طوری که نورش بر صورت های هر یک شان دارد برق می زند.
- ❖ این که این قدر بزرگ و پر زور بوده امید و انگیزه شان که از تهدید های طالبان هم نترسیده اند.

مشاور ریاست جمهوری، جنرال سهیلا صدیق، انگشت جوهری اش را به کمره نشان داده و گفته: «می خواهم کسی به قدرت برسد که به حقوق زنان توجه کند». حواس شان جمع است، نگاه شان مصمم است. و من وقتی به آنها نگاه می کنم دلم ضعف می رود و با دیدن هر عکس، اشک از چشمانم سرازیر می شود. چقدر خوب جایی هستند. خوشا به حال این حال شان.

نعیمه دوستدار/مالمو

افغانستان را دوست دارم، مردمش را، لهجه و زبان شان را و فرهنگ مشترک چند هزار ساله مان را. سرنوشت افغانستان برای من درست همان قدر مهم است که سرنوشت ایران است. سرنوشت آنها را سال هاست نه فقط از خلال خبر های سیاسی که از میان فیلم ها، تئاتر ها، نوشته ها، شعرها و داستان و رمان های نویسندگان شان تعقیب می کنم. داستان های آنها بخش مهمی از علاقه و پیوند من به ادبیات معاصر فارسی بوده و تصویر واقعی و انسانی افغانستان را به من باز نموده است. دوستانی داشته ام از افغانستان در ایران که سال ها با قلم و زبان شان همراه بوده ام؛ کسانی که از چند سال قبل، باز فراهم شدن اولین نشانه های امید برای زندگی در افغانستان بار بستند و سرنوشت فردی و اجتماعی شان برایم مهم بوده است و بر مبنای احساس خوشایندی که داشته ام، هر افغانی که دیده ام، محترم، صبور و شریف بوده و ارتباط انسانی ما کمترین مشکل نداشته است.

سال ها تلاش این مردم برای رسیدن به آزادی و امنیت، که همراه بوده با ریخته شدن خون های بسیار و رنج بی شمار، برای من از محترم ترین جنبش های اجتماعی است و طبیعی است که هر تغییری در این سرزمین، برای من مهم است.

د پاپو شمیره: له ۱ تر ۶

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاډوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خپر و لولۍ

هر قدمی که این سرزمین به سمت امنیت بردارد، هر تلاشی برای حکمرانی آرامش و ثبات در آن و هر نشانه ای از تغییر که خبر ترور و مرگ و ویرانی در افغانستان را از بالای صفحه اخبار به زیر بیاورد، برای خوشبختی جهان ضروری است.

انتخابات اگر راهی است برای بهتر شدن زندگی این مردمان، برای هموارتر شدن راه شان در مسیر دیموکراسی و امنیت، برای کوتاه شدن دست نیروهای خارجی و تروریست های داخلی، سرنوشت لحظه به لحظه اش برای جهان حیاتی است.



رضا حقیقت نژاد/ استانبول

تابستان ۸۸ در کابل بودم، برای پوشش انتخابات ریاست جمهوری؛ رقابتی سخت بین عبدالله عبدالله و حامد کرزی در جریان بود. حامیان آقای عبدالله با انبوه پرچم های آبی رنگ شان، شباهت هایی با سبزهای ایران رقم زده بودند، به خصوص اینکه زمزمه تقلب و سوء استفاده کرزی از امکانات دولتی هم گسترده بود. روز ورودم به کابل، در مسیر میدان هوایی به کمیسیون انتخابات، یک بمب کنار جاده ای جان چند تن را گرفت، به محل حادثه رفتم .

مأمور افغان، پرس و جو کرد که اینجا چه می کنم؟ متوجه شد از ایران آمده ام، خاطرات گفتنش گل کرد، همه جای تهران را هم بلد بود و کار کرده بود. گفت خوبی آنجا این است که اگر تقلب می کنند، از این آدمکشی ها خبری نیست. روز بعد وقتی تلفونی با روزنامه نگار افغان ساکن هرات در باره پرچم آبی ها صحبت کردم، می گفت حالا اگر تاثیر پارچه های سبز شما باشد، در آینده خواهی دید که این تاثیر گذاری ها برعکس می شود. این روزها انتخابات ریاست جمهوری افغانستان را که تعقیب می کنم، متوجه شدم امنیت نسبت به دوره قبل خیلی بیشتر شده و آدم کشی ها کم شده.

مشارکت مردم هم گسترده تر است از دوره قبلی، آزادی بیان و فضای رقابتی هم رشد عجیب داشته است. اینکه پیش بینی آن دوست روزنامه نگار افغان درست از آب در آمده و دغدغه های آن سرباز خیلی کمتر شده، برای یک روزنامه نگار ایرانی می تواند مایه خشنودی باشد. حتی جایی هم برای حسرت خوردن نیست. نمونه های رشد دیموکراسی و شاخص هایش در منطقه، می تواند به اندازه کافی بر فضای داخل ایران و حتی نگرش و تصمیم گیری حاکمانش مؤثر باشد. دستاورد های مردم افغانستان از این منظر، دستاورد های مردم ایران هم هستند.

امید منتظری/برلین

انتخابات ریاست جمهوری افغانستان به فرصتی مبدل شد که مردم این کشور سرنوشت قطعی را که پیش پای آنها قرار گرفته بود، تغییر دهند.

مردم افغانستان "مستقل" از نتیجه این انتخابات، توانسته اند معنی تازه ای به شکل مداخله خود و حتی مفهوم عام انتخابات دهد. آنهم در وضعیتی که به نظر می رسید سرنوشت آنها قربانی و گروگان جنگ نیروهای بین المللی و تروریسم بنیادگرا با یکدیگر باشد.

افغانستان که روزی بستر بنیادگرایی اسلامی و ضد دیموکراتیک به شمار می آمد، در حالی از این تقدیر تیره فاصله گرفت که "رشد بنیادگرایی" و "مبارزه با تروریسم" به عنوان گفتار و مشکل اصلی شرق میانه تعریف می شود.

شاید بدون مشارکت فعال مردم، راه دیگر افغانستان آن بود که همچون گفتار رایج مبارزه با تروریسم، آزادی و مراحل رسیدن به دیموکراسی را رها سازد. و همچون "زندان بگرام" با توسل به خشونت و برای جلوگیری از خشونت های وسیعتر، آزادی و کرامتی را قربانی کنند که به دفاع از آن پرداخته بودند.

امروز این مداخله در تعیین سرنوشت، مردم افغانستان را در موقعیت تازه ای از عاملیت سیاسی قرار می دهد. و نهایتاً محتمل است این مشارکت مستقل، تبعیض علیه شش میلیون مهاجر و پناهنده افغان را در خارج این کشور تحت تاثیر قرار دهد.

ابراهیم اسدی/امستردم

دیدن دوستان افغان که هر کدام انگشت های جوهری شان را ثبت کرده اند؛ برایم هیجان انگیز است. انگشتانی که به قطع شدن تهدید می شدند؛ اما حالا برای تعیین سرنوشت جوهری می شوند. این رنگ ارغوانی که ممکن است راهی برای خوشبخت شدن مردم افغانستان باشد.

د پانو شمیره: له ۲ تر ۶

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خیر و لولی

حسرت و امید، حس همراه من در تمام روز های گذشته به واسطه پیگیری این اخبار بود. حسرت از کاستی های بسیار در ساز و کار انتخاباتی کشورم؛ از این که انتخابات برای ما بیشتر از آن که حرکت هدفمند و رو به جلو باشد، عموماً اقدام پیشگیرانه برای جلوگیری از بدتر شدن اوضاع است و یک حسرت بزرگ حرفه ای این که چرا ایفای نقش بدیهی روزنامه نگاران و رسانه ها در قبل و بعد انتخابات ایرانی میسر و ممکن نیست.

از سوی دیگر می دانستم که مشابهت های بسیار فرهنگی، مذهبی و تاریخی بسیار میان ایران با همسایگانش وجود دارد؛ به خصوص در مورد افغانستان با توجه به راه سخت و دشواری که تا این مرحله پیموده، حس خوشایند امید به تغییر دوچندان برانگیخته می شد.

مشتاخانه عکس ها را می دیدم و گفته های کوتاه اتباع افغانستان را پیگیری می کردم که با وجود همه تهدید ها و دشواری ها، عزم تغییر و حرکت به سوی بهبود دارند. مگر می شود از دیدن عکس رای دادن مردی که انگشتش در دور قبلی انتخابات توسط طالبان و به جرم رای دادن بریده شده بود، منقلب نشود؟

یا تصویر صف بلند رای دهندگان در زیر باران و چندین و چند تصویر و روایت دیگر از مردمانی که انگشتان شان را جوهری کردند تا کشور شان را از شر مردمانی که انگشت روی ماشه دارند نجات بدهند و برای نخستین بار شاهد انتقال قدرت دیموکراتیک یک رئیس جمهور باشند.

شاهد علوی / واشنگتن



امید بستن به وعده های بزرگ و دروغ های تکراری سیاست مدران و چندین ساعت ایستادن زیر باران و انتظار در صف های طولانی برای مشارکت در انتخاباتی که حتی پیش از آغاز، نگرانی در باره تقلب در آن بسیار جدی است، دست کم برای ایرانی ها، چیز عجیبی نیست.

دستگاه ناکارآمد دولتی، فساد مالی گسترده و بی کفایتی رهبران سیاسی و همچنان دل سپردن به صندوق های رای به امید داشتن آینده ای بهتر هم، دست کم برای ایرانی ها، قابل فهم است.

اما آن چه برای ایرانی هایی که تجربه تلخ انتخابات ۸۸ و سرکوب های پی آمد اعتراضات پس از آن

را به خاطر دارند احتمالاً غیر قابل درک است مشارکت در انتخابات زیر سایه تهدید و ترور و انفجار انتحاری و بدل کردن انتخاباتی چنین به رفراندوم سراسری است.

هر چقدر هم این فرض معتبر باشد که نا امنی و عملیات انتحاری به بخشی از تجربه زندگی روزانه در افغانستان بدل شده است، با توجه به عزیز بودن جان و میل به زندگی، نمی توان رفتار انتخاباتی دبروز افغان ها را بدون یافتن پاسخ به این پرسش که در مقام قیاس با ایران، چه عاملی می تواند مردم را چنان هم بسته کند که علیرغم خطر بسیار جدی «مردن به خاطر رای دادن» در انتخابات مشارکت کنند؟

به گمانم پاسخ این پرسش را باید در تجربه زیستن در فضای آزاد سیاسی یافت. آزادی سیاسی گسترده در افغانستان که قابل قیاس با جامعه سیاسی بسته ایران نیست امکانات زیادی برای جذاب کردن بازی انتخابات و تشویق مردم به مشارکت در آن و دهن کجی به جریانی می کند که این بازی را تهدید و نفی می کند.

درک این فضا و این رفتار برای ما ایرانی ها که سال هاست از این آزادی محرومیم و در واقع زیر ۵۰ ساله ها هیچ تجربه ای از آن ندارند بسیار دشوار و چه بسا غیر ممکن است.

کامران متین / ساسکس

بین چکش اشغال و بمباران نیروهای غربی و سندان سبوعیت و جنایات طالبان قرار داشتن نفس جسارت مردم افغانستان در خطر کردن و رای دادن را باید ارج نهاد.

این انتخابات پیش و بیش از هر چیز ابزار ابراز بیزاری و خستگی مردم افغانستان از جنگ و خونریزی روزانه است که تار و پود زندگی شان را از هم گسیخته است.

به این معنی نباید آنرا مؤید استدلال نیروهای اشغالگر غربی که آنرا نشانه به بار نشستن پروژه صدور دیموکراسی به وسیله جنگ و اشغال نظامی القا می کنند دانست چرا که آنان در پس این ادعا نقش خود را در پشتیبانی همه جانبه از طالبان و پیش از آن از جنگ سالاران مجاهد پنهان می کنند.

د پانوی شمیره: له ۴ تر ۶

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

اشغالگری شوروی و متعاقب آن اتحاد مقدس لیبرالیزم غربی و استبداد اسلامی در دهه های ۸۰ و ۹۰ میلادی سر چشمه رنج و مرارت های غیر قابل توصیف مردم افغانستان در چند دهه اخیر بوده است. برگزاری و نتیجه این انتخابات تغییری در این تاریخ نمی دهد اما امید است که نوید بخش آینده ای مشحون از آزادی، آبادانی، عدالت اجتماعی برای افغانستان باشد.

آزاده دواچی / سیدنی

انتخابات افغانستان در حالی برگزار شد که گمانه زنی های بسیاری در مورد تاثیر این انتخابات بر برقراری دیموکراسی در افغانستان به دنبال داشت. شاید نگاه بسیاری، به خصوص ایرانیان به سرنوشت این انتخابات به دلیل تجربه چند دهه خشونت در افغانستان و قدرت داشتن نیرو های افراطی مذهبی است. تصویرهای زنان و مردان در صف های انتخاباتی در اخبار و گزارش ها نشان از علاقه مردم برای تغییر و بهبود سرنوشت خود می دهد. اما آن چیزی که در این میان برجسته است، حضور زنان افغان در صف های انتخاباتی است. با توجه به بافت سنتی و مرد سالار این کشور که به دلیل حضور طالبان و نیروهای افراطی تقویت شده است، می توان حضور زنان در صف های رأی گیری را به نوعی خواست زنان افغان برای بهبود وضعیت کنونی آن ها پس از تحمل چند دهه جنگ و خشونت تلقی کرد. به عبارت دیگر حضور و علاقه زنان در افغانستان برای شرکت در انتخابات، همانند ایران، به نوعی ایستادگی در برابر نهادهای قدرت مذهبی است، هرچه قدر این نیروها در تلاشند زنان را به حاشیه برانند، اما زنان با حضور در صف های رأی گیری نشان دادند که حذف شدنی نیستند و عزم شان را برای تغییر در وضعیت امروزی جزم کرده اند.



زنانی که به دلیل همین فضای بسته سنتی از بسیاری از فعالیت های اجتماعی محرومند، در عین حال آمار خشونت های اعمال شده علیه آنان بسیار بالاست و همین خود می تواند انگیزه ای قوی برای دگرگونی در شرایط کنونی باشد، که با ورود فعالانه به فضای اجتماعی و سیاسی همراه است.

این حضور از سوی دیگر، اگر با تغییر اساسی در وضعیت زنان همراه باشد، می تواند تأثیرات مثبتی بر فعالیت های زنان در ایران داشته باشد، چرا که نشان دهنده عزم زنان این دو کشور برای خروج از بافت سنتی و مرد سالار و رهایی از سلطه نیروهای رادیکال و تغییر مثبت برای از میان بردن خشونت علیه زنان است.

لادن سلامی / پراگ

انگشت های آغشته به رنگ که به فردا اشاره می کند، تهدید را پس می زند و به افراط گری "نه" می گوید، داستان این روز های افغانستان است. صف های طویل رأی دهندگان، تمدید زمان انتخابات، کم آمدن ورق های رأی دهی و شور و هیجان مردم برای حضور در پای صندوق های رأی، همه نشان از خواست مردم برای "زندگی بهتر" است. آنچه در جامعه روشنفکری "دیموکراسی" خوانده میشود. شبکه های اجتماعی دیروز از چهره های خندان و امیدوار به آینده جوانان افغانستان پُر بود که با افتخار با نشان دادن انگشت سیاه، حضور خود را نشان می دادند. آبی، سبز یا بنفش، رنگ های بی جانی هستند که ما به آن جان می دهیم. این "حماسه های حضور" را قبضه نکنیم. مالک این حماسه، فرد فرد مردم هستند که صندوق های رأی را گذرگاهی به سوی آینده ای بهتر می بینند.

مهدی تاجیک / کولون

افغانستان به واسطه تجربه هایی که از دهه ها جنگ داخلی و مداخله قدرت های خارجی آموخته است در حال برداشتن گام های آرام و پُر از آزمون و خطاست.

د پانوی شمیره: له ۵ تر ۶

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

در میان نامزد های این دوره از انتخابات ریاست جمهوری سخن غالب این بود که افغانستان دلزده و خسته از جنگ است و امنیت و رفاه و آرامش را جز از راه تن دادن به قواعد دیموکراسی به دست نخواهد آورد. باطل السحر ایدئولوژی خانه سوز طالبان همین است.

آن ها در بهیوحه بی ثباتی جنگ می توانند خود را حق به جانب معرفی کنند و فریاد وا اسلاما سر دهند. دیموکراسی خانه آنان نیست و نباید هم باشد ولی خانه افغان های صلح طلب است و این خانه جز با زیر بنای رأی مستحکم نمی شود.

انتخابات اخیر در این کشور در یک کلام نشان دهنده آگاهی مردمی خسته از جنگ برای ساختن جامعه ای امن تر و آزاد تر بود. غم انگیز است که موفقیت دیموکراسی در جامعه ای بدون زیر بنا های دیموکراتیک و نهادهای مدنی تضمین شده نیست و این بنا همیشه در معرض زلزله های سیاسی قرار دارد.

چنان که اگر امروز دست جامعه جهانی از پشت پرده دیموکراتیک افغانستان برداشته شود شاید امید ها به زودی فرو بپاشد اما در دل هر حرکت دیموکراتیکی امید و خوشبینی به آینده حرف اول را می زند.

افغان ها با امید به آینده، به صندوق ها رأی ریختند و حالا فارغ از اینکه کدام نامزد به مسند ریاست جمهوری بنشیند باید خود از این رأی تغییر ساز شان پاسداری کنند و برایش دل بسوزانند.

پایان

د پانو شمیره: له ۶ تر ۶

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ